



بازداشت ۹۵ سارق خشن در تازه‌ترین طرح ضربتی پلیس آگاهی پایتخت

■ غلامرضا مسمکنی

مأموران پلیس آگاهی تهران در آخرین عملیات ضربتی خود ۹۵ سارق خشن را بازداشت و در محوطه پلیس آگاهی به صف کردند.

این روزها پلیس با عملیات‌های ویژه و مداومی که به پیش گرفته سارقان خشن را یکی پس از دیگری دستگیر می‌کند. کلیپ‌هایی که پلیس از دستگیری مجرمان خشن در فضای مجازی منتشر می‌کند، حکایت از آن دارد سارقان به گونه‌ای در مخفیگاه‌ها و محل‌های تردد خود غافلگیر می‌شوند که توان هر عکس‌العملی از آنها ساقط می‌شود. چنانچه هم در این عملیات‌ها سارقان تصمیم به مقاومت در برابر پلیس را

داشته باشند، با شلیک قانونی پلیس زمینگیر می‌شوند. صبح دیروز مأموران پلیس آگاهی پایتخت ۹۵ سارق و مالخر را که در آخرین طرح ضربتی به دام انداخته بودند در محوطه پلیس آگاهی به صف کردند.

■ برخورد قاطع با سارقان خشن

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در حاشیه طرح دستگیری سارقان گفت: در این عملیات که با هدف ارتقای امنیت عمومی و مقابله با جرائم خشن به مرحله اجرا درآمده مأموران پلیس آگاهی پایتخت ۹۵ سارق سابقه‌دار و خشن را شناسایی و با هماهنگی دستگاه قضایی در نقاط مختلف پایتخت دستگیر کردند. مأموران در بازرسی

از مخفیگاه این مجرمان، ۲۳۵ دستگاه گوشی تلفن همراه مسروقه و مقادیر زیادی اموال سرقتی از جمله طلاجات و ارزهای خارجی که از منازل شهروندان به سرقت رفته بود، کشف و ضبط کردند که ارزش تقریبی اموال مکشوفه تا این لحظه بیش از ۳۰ میلیارد تومان برآورد شده است. وی ادامه داد: یکی از اولویت‌های اصلی پلیس آگاهی، شناسایی و برخورد سریع با سارقان خشن است. افرادی که در صحنه سرقت یا دستگیری مقاومت یا درگیر شوند پلیس با اقتدار کامل با آنها برخورد قاطع می‌کند. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به جلسه‌ای که با ریاست محترم دادگستری و دادستان محترم تهران داشته،

گفت: مقرر شد پرونده این سارقان، به‌صورت ویژه و در کمترین زمان ممکن رسیدگی شود. امیدوارم با صدور احکام بازدارنده و مؤثر، نه‌تنها مجازات متهمان تضمین شود، بلکه مانعی برای تکرار جرم توسط این افراد در آینده ایجاد شود.

وی در پایان با هشدار جدی به سارقان اعلام کرد: سارقان خشن باید بدانند که پلیس در صحنه وقوع جرم و همچنین هنگام شناسایی و دستگیری با آنها هیچ گونه ممانشاتی ندارد و در سریع‌ترین زمان ممکن آنها را شناسایی و دستگیر خواهد کرد. همکاران ما طبق قانون و بسا اقتدار کامل عمل می‌کنند و در صورت مقاومت مجرمان، برخورد قاطع و قانونی انجام خواهد شد.

قتل در زندان

■ یکی از سارقان دستگیر شده در طرح مأموران پلیس آگاهی بر دی‌نام دارد. او الان ۳۴ ساله است. اما به گفته خودش اولین بار ۲۱ سال قبل به اتهام سرقت دستگیر شده و مدتی را در کانون اصلاح تربیت سپری کرده است. وی کلکسیون‌ای از جرائم در پرونده‌اش ثبت شده و حتی به خاطر قتل‌ی که مرتکب شده، پای چوبه دار هم رفته، اما اولیای دم به او زندگی دوباره داده‌اند.

بر دی‌پایه چه جرمی دستگیر شدی؟

موبایل سرقت می‌کردم. ما دو نفر بودیم که با موتور سیکلت در خیابان‌های شمالی و مرکزی شهر پرسه می‌زدیم و موبایل‌هایی می‌کردیم. البته من تر کنش‌نشین بودم و موبایل را از دست شهروندان می‌قاییدم و همدستم راننده موتور بود.

روزی چند دستگاه موبایل سرقت می‌کردیدی؟

بستگی به حال و روزمان داشت. اگر حال داشتیم سه تا پنج موبایل می‌زدیم و اگر حال نداشتیم به یک سرقت هم قانع بودیم.

از کی شروع به سرقت کردیدی؟

خیلی وقت نیست. پار سال از زندان آزاد شدم و مدتی خلاف را کنار گذاشتم، اما از چند وقت قبل دوباره با دوستم شروع به سرقت کردم.

به چه جرمی در زندان بودی؟

آخرین بار به جرم قتل در زندان بودم.

پس در دست است که کلکسیون‌ی از جرائم در پرونده‌ات ثبت شده است؟

بله، من علاوه بر سرقت و به‌دگیری با قتل‌ی که چند سال قبل مرتکب شدم به جرم کامل شد.

با چه انگیزه‌ای و کجا مرتکب قتل شدی؟

در زندان مرتکب قتل شدم. سال ۸۶ به جرم سرقت دستگیر شدم و به زندان افتادم، چون سابقه‌دار بودم، قاضی حکم سنگینی به من داد و چند سالی در زندان بودم که مرد جوانی به نام بهزاد به جرم سرقت منزل هم‌بندم شد. او برای همه شاخ و شانه می‌کشید و می‌خواست از دیگران زهر چشم بگیرد و به قول خودش می‌خواست به زندانی‌های دیگر بفهماند که گندل‌لات زندان اوست. البته خیلی‌ها از او حساب می‌بردند، اما برای من که چندین سال از عمر را در زندان سپری کرده بودم و کلی سابقه داشتم، سخت بود که به من دستور بدهد. به‌هر حال چند باری با هم درگیری و مشاجره داشتیم و به او گفته بودم که ساختار می‌کشینی. روز حادثه من به فحش ناموسی دلد که خیلی عصبانی شدم و او هم درگیر شدیم. هر دوی ما جاقو داشتیم که او را با جاقو به قتل رساندم. قرار بود چند روز بعد از زندان آزاد شویم، اما به جرم قتل این‌بار محاکمه و به قصاص محکوم شدم.

چطور رضایت گرفتی؟

واقعیتش ایمی‌دی به زندگی نداشتم و شب و روز را برای اجرای حکم می‌شمردم. دوستانی داشتم که از زندان آزاد شدند و به سراغ خانواده مقتول رفتند و از بدبختی‌های من به آنها گفتند. خانواده بهزاد فهمیدند که من خیلی بدبخت هستم و البته تلاش مددکاران و تیم صلح و سازش هم بی‌تأثیر نبود. در نهایت آویخته شده بود و نفس‌ای آخر را تجربه می‌کردم که اولیای دم به من زندگی دوباره بخشیدند.

چرا زندان برای تو تجربه نشد؟

گفتم که من بدبختم و قبل از این معتاد به شیشه بودم و وقتی آزاد شدم دوباره شروع به مصرف کردم و برای هزینه مواد سرقت می‌کردم. واقعیتش من می‌خواهم از خودم انتقام بگیرم.

چرا؟

به‌خاطر اینکه از دوران کودکی در زندگی موقعیت زندگی پیدا نکردم. سه ساله بودم که مادرم طلاق گرفت و من و پدرم را تنها



گذاشت. محبت مادر و پدر را نتجشیدم و خیلی زود معتاد شدم و در ۱۳ سالگی به اتهام سرقت دستگیری و به کلون اصلاح و تربیت منتقل شدم. پس از آزادی از کانون، سرقت‌هایم را ادامه دادم و چندی بار دستگیر شد و بعد هم به زندان افتادم.

چه توصیه‌ای به شهروندان داری که در دام موبایل‌قاپان گرفتار نشوند؟

به هشدارهایی که پلیس می‌دهد، گوش کنند. مثلاً در هر مکانی تلفن همراهشان را مخصوصاً اگر گرانقیمت است از جیبشان بیرون نیاورند. از هندزفری استفاده کنند و حواسشان را بیشتر جمع کنند. ما سارقان معمولاً بیشتر به سراغ افرادی می‌رویم که به نظر می‌رسد حواس پرت هستند و به اطراف خود توجهی ندارند و گوشی گرانقیمت هم در دست دارند.

فرار به سبک سریال فرار از زندان

■ یکی دیگر از سارقان نامش داوود است، اما دوستانش به او دیدیم می‌گویند و خودش دوست دارد به او مایکل اسکافیلد ایرانی بگویند. داوود عاشق هیجان و فیلم‌های پلیسی است و می‌گوید اگر یایم به زندان برسد حتماً نقشه فراری به سبک سریال فرار از زندان را طراحی و عملی خواهد کرد.

داوود چرا دوست داری مایکل اسکافیلد صدایت بزنی؟

من عاشق فیلم‌های هیجانی هستم و فکر کنم ۱۱،۱۰ سالم بود که سریال فرار از زندان را تماشا می‌کردم و از نقش مایکل اسکافیلد خیلی خوشم می‌آمد. او خیلی باهوش و زیرک بود و همیشه با او همذات‌پنداری می‌کردم.

به همین دلیل تصمیم گرفتی سارق شوی و بعد از زندان فرار کنی؟

نه، من تازه یایم به دنیای سارق باز شده و سابقه‌ای ندارم و اینکه وارد جرگه خلافکاران شدمم اصلاً ربطی به دوست داشتن مایکل اسکافیلد ندارد.

چرا شروع به سرقت کردی؟

دوست داشتم راه صد ساله را یک‌شبه طی کنم. از همان دوران کودکی بلندپرواز بودم و می‌خواستم به هر چه که اراده می‌کنم بدون هیچ زحمتی برسم، به همین خاطر هم با دوستم شروع به سرقت کردم. تصمیم گرفتم اگر به زندان وقتی شروع به سرقت کردم، تصمیم گرفتیم اگر به زندان افتادم به سبک سریال فرار از زندان، نقشه فرار را اجرا کنیم و مانند اشرف پروانه که خیلی حرفه‌ای از زندان رجایی‌شهر فرار کرد و به شهرت رسید برای خودم اسم و رسمی دست و پا کنم و بین خلافکاران مشهور شوم. اولین بار که دستگیر شدم، نقشه‌ام را اجرایی کردم و موفق هم شدم و الان هم دوست دارم در زندان مثل مایکل اسکافیلد قرار کنم.

دویدن برای سرقت

■ فریدون پسر جوانی است که از دوران کودکی عاشق رشته دوومیدانی بوده و تصمیم داشته روزی در مسابقه دوی سرعت شرکت کند، اما در نشست و برخاست با افراد خلافکار، معتاد و سارق شده است. این متهم پارکوار است و پس از سرقت کارت عابر بانک افراد سالخورده در خیابان با سرعت جت فرار می‌کرده است.

فریدون! شیوه سرقت‌تان چگونه بود؟

من و همدستم مقابل عابر بانک‌های فخریم و کارت عابر بانک افراد

سالخورده یا خردسال را سرقت و فرار می‌کردیم.

سابقه داری؟

من سابقه‌ای ندارم، اما همدستم سابقه سرقت دارد.

همدست این اید را داد؟

نه، یکبار که برای برداشت پول به عابر بانکی رفته بودم، پیرزنی از من خواست به او کمک کنم. معمولاً افراد سالخورده و خردسال برای انتقال پول با پرداخت قبض یا عابر بانک مشکل دارند و از دیگران کمک می‌گیرند. آن روز همراه دوستم بودم و من به آن پیرزن کمک کردم و همان زمان ایده سرقت به این شیوه به ذهنمان رسید. فکر کردیم به راحتی می‌توانیم کارت عابر بانک آنها را سرقت کنیم و از طرفی هم آنها به ما اعتماد می‌کردند و رمز آن را برای انجام تراکش در اختیار ما قرار می‌دادند.

فکر نمی‌کردید حین سرقت دستگیر شوید؟

نه، من دوندۀ هستم و وقتی کارت عابر بانک را سرقت می‌کردم مثل جت سرعت می‌گرفتم و خودم را به همدستم که با موتور سیکلت روشن آماده حرکت بود، می‌رساندم و دو نفری فرار می‌کردیم.

روز شکاری؟

من از دوران کودکی علاقه زیادی به رشته دوومیدانی داشتم. در دوران مدرسه هم به مسابقات این رشته شرکت می‌کردم و خیلی دوست داشتم روزی قهرمان دوی سرعت شوم.

چرا روزش را ادامه ندادی؟

در رفت و آمد با دوستان ناباب معتاد شدم. من قبل از اینکه معتاد

شوم هر روز چندین کیلومتر می‌دویدم و پارک‌کار حرفه‌ای هم هستم، اما الان به خاطر اعتیاد خیلی زود نفس کم می‌آورم.

چرا از جاقو استفاده می‌کردی؟

ما معمولاً داخل خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و وقتی می‌دیدیم فرد سالخورده‌ای یا خردسالی پشت دستگاه عابر بانکی است به بهانه برداشت پول به آنها نزدیک می‌شدیم. اگر سوزۀ ما کمک می‌خواست و رمزش را در اختیار ما قرار می‌داد که من با برداشتن رمز به سرعت فرار می‌کردم، اما کمک نمی‌خواست و متوجه می‌شدیم پول زیادی در کارت‌ش دارد با تهدید جاقو کارت عابر بانک و رمزش را می‌گرفتم و فرار می‌کردم و خودم را به همدستم می‌رساندم.

ظاهراً چند نفر را هم زخمی و به پر نگاه مرگ کشاندی؟

افراد زیادی را که مقاومت می‌کردند، تهدید کردم و آنها هم کارشان را به من می‌دادند، اما در میان سوزۀ‌هایم با دو نفر به خاطر اینکه کارت عابر بانک‌شان را ندادند، درگیر شدم. یک مورد مردم‌تابعی بود که کارت عابر بانکش را به من نداد و مقاومت کرد و من هم او را با جاقو زدم که بعد متوجه شدم از ناحیه قفسه سینه و کتف ۷۰ بخیه خورده است. یک مورد دیگر هم کودک خردسالی بود که کارت‌ش را نمی‌داد و مجبور شدم او را زل بدهم و کارت عابرش را سرقت کردم که زخمی شد.

فکر نمی‌کردید با این شیوه خشن، جان کسی را بگیرد؟

(سکوت می‌کند)

چقدر از سرقت‌ها گریز تان آمد؟

حدود ۱۵۰ میلیون تومان گیرمان آمد که همه‌اش دود شد و هوارفت.

یادداشت

مبارزه با کالای قاچاق برای حمایت از فعالان اقتصادی

قاچاق کالا، تجارتی مسموم است که سود حاصل از آن فقط نصیب سوداگران این بازار می‌شود. دلالت و قاچاقچیان کالا و ارز اخلاک‌گرا ن اقتصاد هستند که برای رسیدن به منافع مالی از ساختارهای قانونی عبور و با اختلال در نظم اقتصادی منافع خود را دنبال می‌کنند. ضربه به تولید داخلی از مهم‌ترین پیامدهای فعالیت این سوداگران است. تولیدکنندگان خرد و کلان باعث فعال ماندن چرخه تولید و به کارگیری نیروی کار جامعه می‌شوند و فعالیت‌های خود را در چارچوب قانون دنبال می‌کنند. هر نیروی کاری که در این چرخه فعال شود، اقتصاد خانواده خود را مدیریت می‌کند و با حمایت‌هایی که قانون از نهاد تولید می‌کند، می‌تواند در بهبود کسب و کار جامعه نقش آفرین باشد. کالای قاچاق از کیفیت و قیمت پایین‌تری برخوردار است و زمانی که وارد چرخه بازار می‌شود، فعالیت تولیدکنندگان داخل را به چالش می‌کشد. نیروی کاری که اقتصاد خانواده را تأمین می‌کند در چنین بازاری شغل خود را از دست می‌دهد و آسیب‌های اجتماعی به این شیوه به بدنه اجتماعی وارد می‌شود. تولیدکنندگان خرد در چنین بازاری توان رقابت با کالاهای قاچاق را ندارند، به همین دلیل آنگونه که شاهد هستیم عمده تولیدکنندگان خرد تعطیل، کارگران آبیکار و نیروی کار جامعه به آمار بیکاران اضافه شده‌اند. همه حکایت اسب تروا را شنیده‌ایم؛ حکایت با افسانه‌ای که پر از بند و اندرز است و نشان می‌دهد چگونه سپاه در حال شکست از طریق یک اسب چوبی موفق شد به سپاهیان طرف مقابل شبیخون بزند و فاتح جنگ مغلوبه شود. اگر دقت داشته باشیم قاچاق کالا هم اسب تروایی است که اقتصاد کشور را هدف آماج خود قرار می‌دهد. کالای قاچاق را بدون افتراق می‌توان ویروسی کشنده دانست که بر پیکره اقتصاد کشور وارد می‌شود و سیستم دفاعی را از بین می‌برد و اقتصاد کشور را زمین‌گیر می‌کند. قاچاقچیان در صف دشمنان هستند و امنیت و سلامت جامعه را نشانه گرفته‌اند. از این رو مقابله با کالای قاچاق به منزله دفاع از فعالان اقتصادی است که با همه وجود در جنگ نابرابر اقتصادی در سنگر تولید و برای شکوفایی و پویایی اقتصاد کشور ایستاده‌اند.

با توجه به عمق فاجعه موجود در مافیایب که سازماندهی شده و سازمان یافته است و سعی دارد با قاچاق کالا و کالای قاچاق اقتصاد کشور را زمین‌گیر کند و معیشت مردم را به سختی بکشد!د و همراهی و همکاری همه مردم لازم و ضروری است. همچنین باید قیق کالای قاچاق در فرهنگ و باور مردم نهادینه و لزوم استفاده از تولید داخلی و کالای ایرانی در باور مردم گنجانده شود. هر چند که در این زمینه به‌طور حتم کیفیت و مرغوبیت کالای ایرانی امری ضروری است و در صورتی که کالای ایرانی، کالایی با کیفیت و دارای گارانتی و خدمات پس از فروش باشد، مردم با آگاهی و باور قلبی و اعتماد کامل کالای ایرانی می‌خرند و کالای قاچاق را پس می‌زنند. از این رو کیفیت تولیدات داخلی با قیمت مناسب نقش بسیار مهمی در عدم استقبال مردم از کالای قاچاق دارد. همچنین برای مقابله و مبارزه با این پدیده شوم همراهی و هم‌افزایی مردم، تولیدکنندگان، اصحاب رسانه، عناصر فرهنگی و صداوسیما لازم و ضروری است.



۱ کشته و ۳ زخمی در حادثه گروگانگیری

مرد میان‌سال‌ی که در شهرستان لنگرود استان گیلان همسرش را گروگان گرفته بود، درگیری با مأموران کشته شد. سرهنگ ارسلان صبیح‌زاهدی، فرمانده انتظامی لنگرود در تشریح این خبر گفت: ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه روز شنبه دم خردا حادثه گروگانگیری همراه با آتش‌سوزی عمدی به مأموران پلیس شهرستان اعلام شد. وقتی مأموران به محل رسیدند، دریافتند مردی ۵۵ ساله به علت اختلافات خانوادگی همسرش را در خانه ویلایی حبس و خانه را آتش زده‌است. مأموران آتش‌نشانی قصد اطفای حریق را سیر مصدومان رضایت بخش است.

آگاهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۱ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت تبیی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۲۱۳۰۱۴۰۰۴۷۷۸ مورخه ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت تبیی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد تبیی حوزه ثبت ملک چالدران تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای مصطفی ایران نژاد فرزند علی بشاوه شناسنامه ۵۹۲۹ صادره از سیه چشمه در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۹۴ متر مربع پلاک فرعی از ۱۸۲ اصلی واقع در چالدران خربداری از مالک رسمی آقای محمدی فاقد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگاهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگاهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضات دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶
نشانه آگاهی: ۱۹۴۱۵۸۴
بهرام سلطانی – رئیس ثبت اسناد و املاک چالدران